هو اللّه - ای عندليب گلشن معانی، نامه‌ ئيکه بعد از…

عبدالبهآء

اصلی فارسی



# هو اللّه

ای عندليب گلشن معانی، نامه‌ ئيکه بعد از رجوع از سروستان مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم ميشود. الحمد للّه ياران سروستان الفتی يافتند اميدوارم که ديگر کلفتی حصول نيابد. ياران بايد سبب اتّحاد ملل و قبائل من علی الأرض شوند. البتّه خود بايد متّحد باشند تا ديگران را متّحد کنند. شمع خاموش شمعهای ديگر روشن نکند شخص بيهوش ديگران را علم و دانش نياموزد. پس بايد ياران اوّل مابين خويش بکلّی بيگانگی براندازند و يگانگی عالم انسانی را ثابت نمايند از قبل من جميع را تحيّت ابدع ابهی برسان اميدم چنان است که جناب آقا حيدر علی صفدر گردد و غضنفری بنمايد تا دلها بربايد.

قصيده‌ ئیکه در تهنيت عيد رضوان انشا فرموده بوديد انشاد شد و در محفل ياران ترتيل گشت. حضرت بشير الهی فی الحقيقه خادم صادق و يار موافق است در حقّ کلّ قصور نمينمايد. الآن در دبلين هستم و شب و روز مشغول ندآء بنور مبين. انجمنهای خوش تشکيل ميشود و نفوس مهمّ قابل لائقی حاضر ميشوند. در هر محفل در بدايت صحبتی از امراللّه ميشود بعد هر کس سؤالی دارد جواب داده ميشود. از جمله ديروز سؤال از حقيّت حضرت رسول عليه السّلام بود. زيرا آنحضرت در اين صفحات بنهايت توهين ذکر ميشدند و مفتريات بسياربود. در هزليّات ضرب المثل بودند آن نور پاک را قسّيسهای اين خاک چنان نکوهش نموده‌اند که جز قوّه روح القدس اين اوهامات را زائل ننمايد. باری ديروز صحبت مفصّلی در اثبات آنحضرت و قوّه کلمه و نفوذ کلّيّه او گرديد و براهين واضحه و دلائل ساطعه بيان گشت و عليک البهآء الأبهی ع ع

